



عنوان: والدین، زیست رسانه‌ای فرزندان و تربیت در عصر تفاوت نسلی و راهکارها

نرگس حسینی^۱، سارا خدا رحم زاده^۲، هما هادی زاده^۳، مهناز شریفی^۴

چکیده

تفاوت نسلی اگرچه امروزه بیشتر نمایان است، پدیده‌ای کهن و جزئی از زندگی بشر بوده است. از زمانی که انسان‌ها در نوع تعاملات خود، شیوه‌های گوناگونی برگرفتند و ارتباطات اجتماعی به صورت گسترده برقرار شد، تفاوت در درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها، موجب جامعه‌پذیری ناهمسان گشت و شکاف نسلی نیز پدید آمد. تفاوت در نظام ارزش‌ها که به شکاف نسلی بین اعضای خانواده می‌انجامد، دیدگاه‌های گوناگونی به خود اختصاص داده است. می‌توان گفت تمایزهای بین نسلی، پدیده‌ای متداول است که همواره در هر جامعه‌ای بین نسل‌های مختلف وجود دارد و تا اندازه‌ای دارای تعارض و کشمکش نیز هست. در مجموع، شکاف نسلی از تمایزهای قطبی و شدید بین نسلی حکایت دارد که صورت بیرونی آن، به شکل تعارض‌ها و کشمکش‌های نسلی بروز می‌کند. در بررسی «والدین، زیست رسانه‌ای فرزندان و تربیت در عصر تفاوت نسلی و راهکارها»، خانواده و رسانه به دلیل اثرگذاری بر جامعه‌پذیری افراد، سهم اساسی دارند. این مقاله، به روش توصیفی تحلیلی با مطالعه کتب و مقالات انجام شده است و به نقش دو عامل اثرگذار، یعنی رسانه و خانواده در قبال موضوع تربیت و تفاوت نسلی می‌پردازد. والدین همواره مسئول و نگران فرزندانشان بوده و هستند؛ اما مسئولیت ما در قبال کودکان نسل امروز چند برابر است زیرا هرگز در طول تاریخ این‌گونه نبوده که افراد همواره در معرض تهاجم سمعی و بصری بوده باشند. از الزامات تربیت فرزند در این عصر برای ما آن است که بتوانیم خودمان همگام با تغییرات فناوری رسانه‌ای پیش رویم و همواره دانش و اطلاعات به‌روزی در این زمینه داشته باشیم. اگر فرزند ما بداند ما بیش از او در عرصه رسانه‌ای به‌روز هستیم و از تغییرات اطلاع داریم، ما را همواره مرجع خود خواهد دانست.

کلمات کلیدی: تربیت، تفاوت نسلی، زیست رسانه‌ای، فرزند، والدین.

۱. حوزه علمیه جواد الائمه (ع) شهرستان آبدانان، کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی

۲. حوزه علمیه جواد الائمه (ع) شهرستان آبدانان

۳. حوزه علمیه جواد الائمه (ع) شهرستان آبدانان

۴. حوزه علمیه جواد الائمه (ع) شهرستان آبدانان

۱- مقدمه

ارتباطات اجتماعی هر جامعه، برگرفته از ارزش‌های حاکم بر جامعه و نحوه تعامل و جامعه پذیری افراد آن جامعه است. در میان انواع ارتباطات اجتماعی، «تفاوت بین نسلی»، یعنی تعامل افراد یک نسل که در یک پدیده جمعیتی مثل سال تولد، ازدواج و... مشترکند، با افرادی از نسل جدید، ارتباطی مهم و حیاتی است؛ زیرا بر اساس فرآیند جامعه پذیری، در تعامل اجتماعی باید به جهت دهی ارتباط نسلی و در مقابل آن، به تفاوت نسلی توجه کرد.

در این میان، به دلیل فاصله اجتماعی و کاهش شدید تعامل بین فردی و بین نسلی در جوامع امروز، نقش خانواده در جامعه پذیری بسیار مهم است. ظرفیت اجتماعی یادگیری در خانواده در انتقال ارزش‌ها از این نهاد به افراد، خانواده را به بستر همگرایی اجتماعی تبدیل می‌کند که نسل‌های مختلف را در خود جای می‌دهد.

در عین حال، تغییرات شکلی و کارکردی خانواده، همچون تبدیل خانواده از گسترده به هسته‌ای؛ یا کاهش کارکردهای آموزشی - تربیتی خانواده و واگذاری برخی نقش‌های آن به دیگر نهادها، موجب تضعیف این نقش شده است.

شکاف ارزشی درون خانواده و بین نسل‌ها، زمانی اتفاق می‌افتد که انتقال فرهنگی با مشکل روبه‌رو شود. از آنجا که انتقال فرهنگی، بین انتقال کامل، یعنی بدون هیچ تفاوتی میان والدین و فرزندان، و انتقال کاملاً ناقص، یعنی بدون هیچ گونه تشابه بین این دو نسل، قرار دارد، اگر به هر یک از این دو شکل صورت گیرد، نوعی آسیب برای جوامع به شمار می‌آید؛ چرا که انتقال کامل، اجازه نوآوری و تغییر و واکنش به موقعیت‌های جدید را به تازه‌واردها نمی‌دهد و در این صورت، نسلی نو به مفهوم واقعی جامعه شناختی پدید نمی‌آید که دارای تفاوت‌ها و نگرش‌های خاص خود باشند. انتقال ناقص هم امکان اجازه کنش هماهنگی بین نسل‌ها را نمی‌دهد.

از دیگر عوامل جامعه پذیری در تفاوت نسلی، هم‌گرایی یا واگرایی نهاد رسانه با دیگر نهادها همچون خانواده است. تغییرات عمده رسانه‌ای در رمزگذاری‌های جدید رسانه‌ای و رمزگشایی مخاطبان پویا، فعال و نوین، بر ارتباط نسل‌ها و یادگیری آنها از طریق رسانه، اثرگذار است.

۲- مفاهیم

الف) مفهوم رسانه

به وسایل انتقال پیام‌ها از فرستنده یا فرستندگان به مخاطب یا مخاطبان گفته می‌شود که شامل روزنامه، کتاب، رادیو، تلویزیون، ماهواره، فن آوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات و اینترنت و... است. این وسایل دارای ویژگی‌هایی مانند پیام‌گیران ناآشنا، سرعت عمل زیاد و تکثیر پیام هستند.^۱

رسانه به هر ابزار، سازمان یا نهاد مادی و غیرمادی گفته می‌شود که حامل پیام باشد؛ به شرط آنکه پیامی که منتشر می‌کند، از مقبولیت اجتماعی برخوردار باشد و مورد پذیرش جامعه و مخاطبان قرار گیرد.^۲

رسانه زمینه ساز ایجاد پیام و بستر انتقال آن و برقراری ارتباط بین گروه‌های انسانی است. رسانه بدون پیام، معنا و مفهومی ندارد و به واسطه پیامی که حمل می‌کند، می‌تواند انسان را در برقراری رابطه با محیط یاری رساند.

ب) مفهوم شکاف نسلی

برای این واژه معادل‌های دیگری همانند گسست نسلی، انقطاع نسلی، تضاد نسلی، انسداد نسلی نیز در مقالات و کتاب‌های فارسی بکار رفته است. گسست نسلی، دور شدن تدریجی دو یا سه نسل پیاپی از یکدیگر، از نظر جغرافیایی، عاطفی، فکری و ارزشی است.^۳ مفهوم فاصله نسلی نیز با شکاف نسلی مترادف است و فاصله نسلی به اختلافات مهم بین دو نسل در تجربه، ارزش‌ها و هنجارها و به طور کلی به اختلاف و شکاف فرهنگی در خور توجه بین دو نسل، گفته می‌شود.^۴

جامعه پذیری، جریان کنش متقابل اجتماعی است که از طریق آن، انسان‌ها شخصیت خود را به دست می‌آورند و شیوه زندگی در جامعه خود را می‌آموزند. جامعه پذیری، نقطه اتصال ضروری بین فرد و جامعه

۱. سیدمحمد، دادگران، مبانی ارتباط جمعی، ص ۶.

۲. پایگاه اینترنتی محمدصادق فرید.

۳. بنجامین اسپاک، پرورش فرزند در عصر دشوار ما، ص ۲۵۹.

۴. محمدحسین، پناهی، «شکاف نسلی موجود در ایران و اثر تحصیلات بر آن»، ص ۴.

است. هم چنین فرد را قادر می‌سازد که هنجارها، ارزش‌ها، زبان، مهارت‌ها، عقاید و الگوهای فکر و عمل را که همگی برای زندگی اجتماعی ضروری است، بیاموزد.^۵

تعارض نسلی: وقتی منابع هویتی، تقویت کننده یکدیگر نباشند و پیوستگی نسلی را به دنبال نداشته باشند، زمینه ظهور و بروز تعارض نسلی فراهم می‌شود؛ بگونه‌ای که اعضای جامعه، هویت خود را در نفی و تعارض با گذشتگان خود می‌بینند.^۶

تعارض نسل‌ها در مظاهر فرهنگی و سلوک اجتماعی قشرهای مختلف جامعه، به ویژه میان نسل جدید و قدیم رخ می‌دهد.^۷

۳- شکاف نسلی و ابعاد آن

تمایزات بین نسلی، پدیده‌ای متداول است که بین نسل‌های مختلف وجود دارد و در مواقعی، دارای اندکی تعارض و کشمکش است، اما شکاف بین نسلی از تمایزهای قطبی و شدید بین نسلی حکایت دارد که صورت بیرونی آن می‌تواند شکل تعارض و کشمکش نسلی پیدا کند. شکاف نسلی، یکی از عمده ترین مؤلفه‌های اثرگذار در تحولات اجتماعی و فرهنگی دوران معاصر است؛ پدیده‌ای که خود در جریان تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی شکل گرفته است. این پدیده، بیشتر در جوامع در حال گذار و در جوامعی اتفاق می‌افتد که رشد سریع فن آوری داشته‌اند.

رسانه‌های جمعی، به ویژه رسانه‌های دیداری و شنیداری، به دلیل کارکردهای متنوع خود و ایجاد تغییرات پیوسته، به تدریج جای ارتباط بین فردی از نوع چهره به چهره را گرفته‌اند و فضای انفرادی را به جای فضای اجتماعی در خانواده حاکم می‌کنند. در نتیجه، افراد خانواده به جای گفتگوی صمیمی با یکدیگر، با ابزارهای الکترونیکی ارتباط برقرار می‌کنند، ارتباطی فاقد بار عاطفی و احساسی.

یکی از عوامل مهم کاهش شکاف نسلی، پیوند اعضای خانواده و وجود زمینه ارتباطات صحیح بین فردی است. این ارتباط زمانی به درستی برقرار می‌شود که اعضای خانواده با نوعی تفاهم و درک متقابل با یکدیگر

۵. یان، رابرتسون، درآمدی بر جامعه (با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی)، ص ۱۱۲.

۶. تقی، آزاد ارمکی، رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی، مسائل اجتماعی ایران، ص ۱۶.

۷. خسرو، قبادی، گسست پارادایمی بین نخبگان فکر ایران: گسست نسل‌ها، ص ۵۴.

تعامل داشته باشند. یکی از عوامل ارتقادهنده پیوند عاطفی و کاهش دهنده شکاف نسلی، گفتگوست؛ یعنی برقراری ارتباط و تعامل کلامی با یکدیگر. در فضای ارتباطاتی، به ویژه ارتباطات بین فردی، گفتگو صرفاً یک رفتار عادی نیست، بلکه الگویی است که فضای عاطفی و هیجانی حاکم بر مناسبات افراد را شکل می‌دهد. گفتگویی که واجد منظور ارتباطی و تعامل است، دارای دو مؤلفه و به عبارتی دارای دو مهارت است: مهارت گوش دادن و مهارت هم دلی. با بهره گیری مناسب از این دو مهارت می‌توان جریان ارتباطی گفتگو را در جهت تفاهم و درک متقابل، به راه انداخت.

نهاد خانواده، اساسی ترین و نخستین نهاد اجتماعی است. «این نهاد، نظامی است که روابط جنسی و تجدید نسل انسانی را در جامعه سامان می‌دهد. متداول ترین صورت آن اجتماعی است از زوج زن و شوهر که با یا بدون فرزندشان، یک واحد خانوار را تشکیل می‌دهند. نهادهای فرعی وابسته به آن عبارتند از: نامزدی، ازدواج (تک همسری، چندهمسری)، روابط خویشاوندی نسبی یا سببی، صلبی یا رحمی»^۸.

کارکرد هماهنگ نهادهای اصلی جامعه و وابستگی متقابل آنها، برای دوام و بقای فرهنگ و جامعه امری حیاتی است. هیچ نهادی خودبسنده نیست و نمی‌تواند به تنهایی به حیات خویش ادامه دهد. هر نهادی به درجات متفاوت بر نهادهای دیگر اثر می‌گذارد و به طور متقابل از همه آنها اثر می‌پذیرد.^۹ ازاین رو، در بررسی شکاف نسلی باید هم به نهاد خانواده و هم به نهاد رسانه، به عنوان دو نهاد اثرگذار توجه کرد. نقش خانواده در این زمینه دوگونه بیان می‌شود:

۱. نقش غیرمستقیم خانواده در آموزش جامعه پذیری یا اثرگذاری آن؛

۲. نقش مستقیم خانواده در شکاف یا وابستگی نسلی.

برای درک بهتر اثرگذاری خانواده، به کارکردهای آن اشاره می‌شود:

۱. نظام بخشیدن به رفتارهای جنسی و تولید مثل؛

۲. جایگزین کردن اعضا؛

۳. مراقبت و نگه داری از کودکان، معلولان و سالمندان؛

۸. عبدالحسین، نیک گوهر، مبانی جامعه شناسی، ص ۱۸۶.

۹. همان: ص. ۱۸۷.

اطفال، و تأثیر تلویزیون، از جمله عواملی هستند که به ایجاد شکاف بین دنیای کودکان و بزرگ سالان کمک می کند.^{۴۴}

رونالد اینگهارت، معتقد است که تغییر ارزشی، روندی است که از نسلی به نسل دیگر رخ می دهد؛ نه به طور مداوم از سالی به سال دیگر.^{۴۵} همچنین گسترش رسانه های جمعی، به تغییر ارزش ها منجر شده است، به طوری که در عصر کنونی، جهانی شدن ارتباطات و رسانه ها بر شکاف ارزش های نسلی اثر گذاشته است. لباس های یک شکل جوانان و موسیقی های جدید، از نمودهای تأثیر رسانه بر تغییر رفتارها و ارزش های نسل کنونی و پایبند نبودن آنها به سنت های فرهنگی است.^{۴۶}

یان رابرتسون جامعه شناس، معتقد است که از اوایل قرن بیستم، رشد و گسترش تدریجی رسانه های جمعی و وسایل ارتباطی، آثار مثبت و منفی فراوانی در زندگی بشر داشته است. از همه مهم تر اینکه در عصر کنونی با ظهور اینترنت و فن آوری های ارتباطات و اطلاعات و به ویژه اینترنت، فضای ارتباطات و اثرگذاری آنها، بسیار افزایش یافته است.

به طوری که ما هم اکنون، تحت تأثیر این رسانه های نوین هستیم. به عبارتی، مخاطبان جهانی رسانه ها و نسل های کنونی، در معرض انتشار و نمایش پیام های متنوع رسانه ای قرار دارند و پیام هایی دریافت می کنند که می تواند سنت ها و الگوهای فرهنگی و اجتماعی و نسلی جوامع و همچنین روابط نسلی آنها را دستخوش چالش و دگرگونی کند.^{۴۷}

۴۴. مارتین، سگالین، جامعه شناسی تاریخی خانواده، ص ۸۳.

۴۵. نریمان، یوسفی، شکاف بین نسل ها - بررسی نظری و تجربی، ص ۴۲.

۴۶. همان: ص ۱۱۴.

۴۷. محمد، منصورنژاد، شکاف و گفتگوی نسل ها با تأکید بر ایران، ص: ۳۳۶.

۹- نتیجه‌گیری

رسانه‌های جمعی چون تلویزیون، سینما، بازی‌های کامپیوتری، در حال شکل دادن فرهنگی هستند که ما در آن زندگی می‌کنیم تأثیرگذار هستند. فرهنگی که ما آن را نساخته‌ایم، بلکه برخاسته از صنعت است و از طریق رسانه‌ها به عموم مردم منتقل می‌شوند. این فرهنگ برساخته، خارج از کنترل ماست و به طرز قابل توجهی فرزند پروری ما را تحت تأثیر قرار داده است. ما تا وقتی نتوانیم این نیرو را درک کرده و مهار کنیم، برای تربیت صحیح فرزندانمان به‌طور کامل قدرت نخواهیم داشت.

ما نمی‌توانیم از تأثیرات مثبتی که رسانه‌ها بر کودکان دارند، چشم‌پوشی کنیم. رسانه‌ها می‌توانند شهروندان و به‌ویژه کودکان و نوجوانان را در برخورداری از تفکری انتقادی و یافتن راه‌حلهایی خلاقانه کمک کنند. به‌گونه‌ای که روز به روز این باور در کودکان تقویت شود که آن‌ها می‌توانند از تمامی برنامه‌های رسانه‌ای مطالبی بیاموزند. در این میان ما والدین می‌توانیم با همراهی کودکان و نوجوانان در تماشای برنامه‌ها، به محافظت از سلامت اخلاقی آن‌ها در برابر اطلاعات و مطالب زیان‌آور رسانه‌ها بپردازیم تا فرزندانمان به عنوان مخاطب فعال، اختیار و کنترل خود را به دست رسانه‌ها نسپارند و البته بایستی توجه داشته باشیم که میزان موفقیت ما در این امر، به شیوه‌ای که با فرزندانمان ارتباط و تعامل برقرار می‌کنیم، وابسته است.

وسایل ارتباطی، زمینه تغییرات آنی و موقتی در وقایع و دگرگونی‌های اجتماعی را فراهم می‌آورند که دامنه آن، اخبار و عقاید تا هوا و هوس‌ها و مدها را در بر می‌گیرد. این وسایل، معرفی کننده الگوها، نقش‌ها، دیدگاه‌ها و شیوه روی آوری به سبک‌های زندگی هستند که ممکن است مردم از راه دیگر هرگز به آنها دسترسی پیدا نکنند. طبقه جوان نیز از طریق تبلیغات رسانه‌های گروهی، مطالبی درباره نقش‌های آینده خود فرامی‌گیرد.

تغییرات هنجارها و ارزش‌های اجتماعی به سرعت در رسانه‌های گروهی بازتاب می‌یابد و ممکن است مردم، آنها را به آسانی بپذیرند. گسترش سریع گرایش‌های جدید در فرهنگ جوانان، بیشتر به رسانه‌هایی مانند تلویزیون، رادیو، مجلات ویژه جوانان و سینما بستگی دارد.

موضوع مهم دیگر سلطه اطلاعاتی و فن آورانه غرب است که از طریق آن، فرهنگ غربی روز به روز در فرهنگ‌های دیگر و به ویژه فرهنگی اسلامی رخنه کرده است و می‌کوشد ارزش‌ها و هنجارهای خود را از

طریق فن‌آوری نوین و رسانه‌ها تحمیل و درونی کند که به تبع آن، نوعی شکاف و تضاد بین اولویت‌های فرهنگی و شیوه‌های تفکر و نگرش، هنجارها و ارزش‌های نسل جدید با نسل قبلی پدید می‌آید.

به این ترتیب، رسانه‌ها کارکردهای متفاوتی همانند انتقال ارزش‌ها و هنجارها را بر عهده دارند. آنها گاهی موجب تغییر در الگوهای سنتی جامعه می‌شوند و با ترویج ارزش‌ها و هنجارهای جدید، الگوهای نسل پیش را به چالش می‌کشند. در حال حاضر، به دلیل فراملی شدن رسانه‌ها و دسترسی به فرهنگ‌های مختلف محلی و جهانی، به ویژه آگاهی از جدیدترین الگوها و شیوه‌های رفتاری و ترویج گسترده نمادهای فرهنگی بیگانه (به ویژه فرهنگ غربی)، فرهنگ و ارزش‌های سنتی جامعه دچار دگرگونی می‌شود.

همین امر، عامل مهمی در ایجاد شکاف نسلی است. در چنین وضعیتی، ضروری است با شناخت جایگاه رسانه‌ها در جامعه پذیری و عرضه محتوای فرهنگی به جامعه، در تدوین و سیاست گذاری مناسب برای استفاده کارآمد از رسانه و انتقال میراث فرهنگی به نسل آینده کوشش کرد، تا شکاف نسلی - که حاصل متغیرهای بسیاری از جمله نفوذ و رخنه عوامل گوناگون فرهنگی است - کاهش یابد و به کمترین میزان برسد.

پیشنهادهات

برخی راهکارها که می‌تواند در کنار برنامه تربیتی هدفمند دقیق، مانع ایجاد تضاد نسلی یا بیشتر شدن شکاف میان نسل‌ها شود را می‌توان این چنین برشمرد: ارتباط عاطفی عمیق و اولویت دادن به اصول و عقاید دینی به جای اهتمام به فروع، دادن آزادی عمل به جوانان، اهتمام و احترام به استقلال طلبی آنان، تأیید و تشویق آنان به فراگرفتن تکنولوژی نوین، انعطاف والدین در بازتعریف ارزش‌ها، پایبندی به رویکرد تساهل و مدارا به عنوان دو ویژگی بارز رشد یافتگی اخلاقی، احترام به رأی و مواضع جوانان، درک متقابل از همدیگر، شناخت از روحیات نوجوانان و جوانان و ...

نظارت والدین بر رژیم مصرف رسانه‌ای و فکری فرزندان؛

ارتقای سواد رسانه‌ای فرزندان

وضع قوانین محدودکننده و کنترل میزان زمانی که فرزندان با رسانه‌ها سروکار دارند.

همراهی با فرزندان هنگام تماشای تلویزیون، دیدن برنامه‌ها و یا بازی در تبلت و موبایل؛

۱۰- منابع و مآخذ

*قرآن کریم

الف) فارسی

۱. آزاد ارمکی، تقی، (۱۳۸۳)، رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی، مسائل اجتماعی ایران، انجمن جامعه شناسی ایران، تهران: نشر آگه.
۲. اسپاک، بنجامین، (۱۳۶۴)، پرورش فرزند در عصر دشوار ما، ترجمه: هوشنگ ابرامی، تهران: نشر صفی علیشه.
۳. پناهی، محمدحسین، (۱۳۸۳)، «شکاف نسلی موجود در ایران و اثر تحصیلات بر آن»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۱۷.
۴. چلبی، مسعود، (۱۳۷۵)، جامعه شناسی نظم (تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی)، تهران: نشر نی.
۵. دادگران، سیدمحمد، (۱۳۸۴) مبانی ارتباط جمعی، تهران: نشر مروارید و فیروزه.
۶. رابرتسون، یان، (۱۳۷۴) درآمدی بر جامعه (با تأکید بر نظریه های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی)، ترجمه: حسین بهروان، مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
۷. روشه، گی، (۱۳۶۶)، تغییرات اجتماعی، ترجمه: منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
۸. سگالین، مارتین، (۱۳۷۳)، جامعه شناسی تاریخی خانواده، ترجمه: حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.
۹. شفرز، برنهارد، (۱۳۸۳) مبانی جامعه شناسی جوانان، ترجمه: کرامت الله راسخ، تهران: نشر نی.
۱۰. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (۱۳۵۹)، تفسیر مجمع البیان، ج. ۲۹، ترجمه گروه مترجمان، تهران: فراهانی.
۱۱. فرقانی، محمد مهدی، (۱۳۸۰)، ارتباطات و توسعه، چهارده نظریه پردازی و امروز رسانه، سال دوازدهم، شماره دوم، نشر مرکز مطالعات و توسعه رسانه ها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۲. فرید تنکابنی، مرتضی، (۱۳۷۷)، الحدیث، تهران: فرهنگ اسلامی.
۱۳. قبادی، خسرو، (۱۳۸۲) گسست پارادایمی بین نخبگان فکر ایران: گسست نسل ها، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

۱۴. قنادان، منصور و همکاران، (۱۳۷۵)، **جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی**، تهران: نشر آوای نور.
۱۵. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۷)، **جامعه‌شناسی**، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۶. " "، (۱۳۷۹) **تجدد و تشخص**، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نی.
۱۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۸)، **مجموعه آثار**، تهران: صدرا.
۱۸. مک کوئیل، دنیس، (۱۳۸۲)، **درآمدی بر نظریه‌های ارتباطات جمعی**، ترجمه: پرویز اجلالی، تهران: نشر مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۹. منصورنژاد، محمد، (۱۳۸۲)، **شکاف و گفتگوی نسل‌ها با تأکید بر ایران**، با اهتمام: علی اکبر علیخانی، تهران: نشر پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۲۰. مهدی زاده، سید محمد، (۱۳۸۰)، **نظریه‌های ارتباطات جمعی**، تهران: جزوه درسی دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی.
۲۱. نیک گوهر، عبدالحسین، (۱۳۸۳) **مبانی جامعه‌شناسی**، تهران: نشر توتیا.
۲۲. یوسفی، نریمان، (۱۳۸۳)، **شکاف بین نسل‌ها - بررسی نظری و تجربی**، تهران: نشر پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- (ب) پایگاه اینترنتی
۱. ساعی، منصور، در پایگاه اینترنتی (<http://msaei.Blogfa.com>) بازایی در ۱۳۹۱/۲/۶.
۲. فربد، محمد صادق، (۱۳۸۶).